

Exploring Fazel Nazari's sonnets according to the pattern of coherence proposed by Halliday and Hassan*

Seyed Mehdi Mousavinia

Ph.D student of Persian language and literature, Salman Farsi University of Kazeroun

Dr. Ziba Qalavandi¹

Assistant professor of Persian language and literature, Salman Farsi University of Kazeroun

Abstract

Sonnet is a poetic form with a brilliant record in the history of Persian poetry and is still favored by those interested in poetry. A contemporary lyricist whose poetry has been shining in recent years is Fazel Nazari. He is known as the "current" poet of the last decade. The theory of coherence proposed by Halliday and Roghayeh Hassan examines literary texts in the domains of grammatical, lexical and logical coherence (semantic or conjunctive). The present study focuses on a well-known sonnet of Fazel Nazari based on the criteria of Halliday and Hassan's theory in both vertical and horizontal domains. The results show that Fazel Nazari's sonnet has a high capacity in terms of the elements of grammatical and lexical coherence, and all the words in its verses are chained together. In terms of logical coherence, all the verses pay attention to the techniques of coherence according to Holliday and Hassan theory. Also, most of the verses represent more than one of the coherence criteria. According to Halliday and Hassan's theory in connection with the sonnet in question, one of the reasons for paying attention to Fazel Nazari's poetry in the last decade can be the prominence of the elements of this theory in his poetry.

Keywords: Fazel Nazari, Text coherence, Halliday and Hassan's theory, Grammatical coherence, Lexical coherence, Logical coherence.

* Date of receiving: 2022/1/25

Date of final accepting: 2022/9/5

1 - email of responsible writer: ziba.ghalavandi@kazerunfu.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی

سال بیست و سوم، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۵۵، صفحات ۱۶۲-۱۳۳

DOI: [10.29252/KAVOSH.2022.17935.3189](https://doi.org/10.29252/KAVOSH.2022.17935.3189)

DOR: [20.1001.1.2645453.1401.23.55.5.6](https://doi.org/20.1001.1.2645453.1401.23.55.5.6)

بررسی و تحلیل غزل فاضل نظری، مطابق الگوی انسجام متن

هالیدی و حسن*

(مقاله پژوهشی)

سیدمهدی موسوی‌نیا

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

دکتر زیبا قلاوندی^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

چکیده

یکی از غزل‌سرایان معاصر که شعرش در سال‌های اخیر مورد توجه بوده، فاضل نظری است. او به عنوان شاعر «جریان‌ساز» دهه اخیر شناخته شده است. نظریه انسجام متن هالیدی (Halliday) که با همکاری رقیه حسن، تکامل یافت، متن ادبی را در سه محور انسجام دستوری، لغوی و منطقی (معنایی یا پیوندی) واکاوی می‌کند. در پژوهش حاضر، یکی از غزلیات شناخته‌شده فاضل نظری بر اساس معیارهای نظریه هالیدی و حسن، در دو محور عمودی و افقی، بررسی شده و پس از ارزیابی مؤلفه‌های این نظریه، و جستجوی مصادیق آن در شعر او، این نتایج به دست آمده است: غزل فاضل نظری به لحاظ التفات به عناصر انسجام دستوری و لغوی، ظرفیت بالایی دارد و تمام واژگان ابیات آن زنجیروار به هم گره‌خورده است. تمام بیت‌های آن، از نظر انسجام منطقی نیز به شگردهای ایجاد انسجام، بر اساس نظریه هالیدی و حسن، توجه نشان داده و غالب ابیات آن، بیش از یکی از معیارهای این نوع انسجام را دارا هستند. نظر به نظریه هالیدی و حسن، در غزل مورد نظر، می‌توان یکی از دلایل توجه به شعر فاضل نظری را در دهه اخیر، انسجام متن در شعر او دانست.

واژه‌های کلیدی: فاضل نظری، انسجام متن، نظریه هالیدی و حسن، انسجام دستوری، انسجام لغوی، انسجام منطقی.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: ziba.ghalavandi@kazerunsfu.ac.ir

۱- مقدمه

از میان قالب‌های شعر سنتی که در پیشینه ادب فارسی درخشانند، قالب غزل توانسته است بخوبی، خود را با تحولات جامعه ایران معاصر منطبق کند، به طوری که می‌توان گفت این قالب در هر دوره‌ای مورد توجه بوده است. غزل در سیر تحول با توجه به تحولات اجتماعی و سبکی، چهار شکل ادامه یافت: غزل سبک خراسانی، غزل سبک عراقی، غزل سبک هندی و غزل جدید (براتی و نافلی، ۱۳۸۸: ۳۵ و ۳۴).

این قالب با همان ساختار سنتی ولی با تغییرات زبانی و مضامین جدید ادامه یافته است که از آن با عنوان غزل معاصر یا غزل نو یاد می‌شود، عده‌ای نیز این غزل را غزل نیمه‌سنتی یا شاعران غزل میانه لقب دادند (زرقانی، ۱۳۸۴: ۵۵۰: روزبه، ۱۳۷۹: ۱۳۱). این جریان غزل نو که از ابتدای مشروطه آغاز شده بود بعد از انقلاب اسلامی نوگرایی بیشتر یافت، این جریان در دهه «۶۰» و «۷۰»، با ظهور شاعران نوگرا به اوج خود رسید (روزبه، ۱۳۸۶: ۳۱۳).

غزل معاصر دو جریان مجزا را در پیش داشت: جریان نخست با شاعرانی چون رهی معیری، امیری فیروزکوهی و شهریار به راه خود ادامه داد. این شاعران غزل سنتی را با رویکرد اندک به دگرگونی‌های فرمی و زبانی ادامه دادند. جریان دیگر که در غزل به دنبال نوگرایی زبانی و محتوایی بود، با ظهور شاعران جوانی چون منزوی، بهبهانی، ابتهاج و بهمنی ظهور کرد. «اصطلاح غزل نو از اواخر دهه چهل وارد ادبیات معاصر گردید و کم‌کم با استقبال بسیاری از شاعران جوان مواجه شد؛ به گونه‌ای که در چند دهه اخیر از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین قالب‌ها محسوب می‌شود» (محمدی و بشیری، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

گفته می‌شود که «این نوع غزل تحت تأثیر شعر نیما به وجود آمده است. در این نوع غزل از امکانات شعر نو، چه به لحاظ زبان و چه از نظر مضمون استفاده شده است، این غزل بدیع به هیچ وجه در زبان فارسی مسبوق به سابقه نیست» (شمیسا،

۱۳۷۳:۲۰۷). نبودن شعر به توجّه کردن شاعر به زمانه خود منحصر نمی‌شود و کهنه‌بودن آن نیز به صرف گذر زمان بر آن مصداق پیدا نمی‌کند.

در غزل نو، به پیروی از شعر نیمایی، تلاش شده است تا قالب غزل از مفاهیم فرسوده خالی شود و اندیشه و عواطف نو، جایگزین آن شود. پس، شاید بتوان یکی از ویژگی‌های بنیادین غزل نئوکلاسیک را نوآوری در سطح دانست (روزبه، ۱۳۷۹:۱۳۷). اما «ادبیات دهه هفتاد هرچند در روند خطی ادبیات دهه پنجاه و شصت بود، اما به بلوغی زودرس دچار شد. از این رو، باعث ایجاد شکافی عمیق با ادبیات پیش از خود شد» (یزدان‌پناه، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

بعد از دهه هفتاد تب و تاب نوآوری در غزل معاصر اندکی فروکش کرد و شاعران با گذراندن تجربه پر فراز و فرود این دهه، کمتر به تصرفات زبانی و فرمی توجّه نشان دادند. گویا دهه هفتاد تجربه اجتناب‌ناپذیری بود که بایست در تاریخ غزل معاصر شکل می‌گرفت تا راه غزل‌سرایان بعدی را هموارتر سازد.

اگرچه تعابیر و ترکیب‌های غزل فاضل نظری چندان تازه نیست و حال و هوای شاعران قرون گذشته را در ذهن تداعی می‌کند، اما نمی‌توان منکر شد که او شاعری است اهل اندیشه که عالم خود را دارد و فریب الفاظ و اشتغال به الفاظ را نخورده است (یوسف‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۸). او از شاعرانی است که در گروه سنت‌گرایان معاصر کارش را آغاز کرد و در مدّت کوتاهی اشعارش با استقبال مواجه شد.

فاضل نظری به پیروی از سنت، مضمون عشق و عرفان را برگزید و از صور خیال و واژگان تخصصی غزل سنتی استفاده کرد. همین باعث محبوبیت و موفقیت او شد. این نکته نشان می‌دهد که گرچه او «هنوز در شاعری جوان و می‌توان گفت در کشاکش یافتن زبان شعر خویش است، اما از پختگی دور هم نیست و سروده‌هایش بشارت می‌دهند که شاعری دیگر از راه رسیده است که راه کمال را می‌پیماید» (حدّادعادل، ۱۳۸۹: ۳۶).

۱-۲- متن و انسجام متن

زبان‌شناسی متن، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که در آن متن‌های گفتاری و شنیداری مطالعه می‌شوند. نحوه سازمان‌دهی قسمت‌های یک متن و ارتباط میان آنها برای تشکیل یک کل معنادار از جمله مباحث زبان‌شناسی متن است (Richards et al., 1992: 378).

هالییدی را می‌توان پیشگام زبان‌شناسی متن دانست. او کوشید از سطح جمله و مطالعات نحوی فراتر رود و به مفهوم متن، شکل‌گیری بافتار متنی و عوامل دخیل در آن بپردازد. او «زبان را، ابزاری برای تعامل‌های اجتماعی و واحد تفسیر و تحلیل در بافت متن می‌داند و بر این باور است که در ایجاد معنا، نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آنها، بافت است که معانی خاص را نشان می‌دهد» (Halliday, 1985: 40). او ساختار موضوعی (آغاز/آغازگر و پایانه) ساختار اطلاعاتی و کانون (اطلاع کهنه و اطلاع نو) و انسجام را از عوامل تولیدکننده بافتار برشمرد (سجودی، ۱۳۹۰: ۹۶).

غالباً، درک کامل متن بدون ارجاع به بافتی که متن در آن ظاهر می‌شود ناممکن است. متن می‌تواند فقط شامل یک واژه باشد، مانند «خطر» که روی یک تابلوی هشداردهنده نوشته شده است؛ یا ممکن است مانند یک سخنرانی، رمان یا مذاکره، طولانی باشد (Richards et al., 1992: 378).

کیفیت متن ارتباطی به اندازه آن ندارد. عده‌ای متن را «آبرجمله» ای می‌پندارند که بزرگ‌تر از یک جمله است، اما ماهیتی یکسان با آن دارد. این تصور درستی درباره متن نیست. مسلماً نمی‌توان منکر این شد که زنجیره‌ای از جمله‌ها متن را تحقق می‌بخشد، اما تأکید بر این نکته مهم است که جمله‌ها در واقع تجسم متن هستند، نه ایجادکننده آن.

متن، واحدی معنایی است که از جمله‌ها تشکیل نمی‌شود، بلکه در جمله‌ها تجسم می‌یابد. نسبت متن به نظام معناشناختی مانند نسبت بند به نظام واژی-دستوری، و نیز

نظیر نسبت هجا به نظام واج‌شناختی است (Halliday, 2002: 45-47). هر برش زبانی، اعم از گفتاری و نوشتاری، را می‌توان متن تلقی کرد، به شرط این که توسط افراد واقعی و در موقعیت واقعی به منظور ایجاد ارتباط بیان شده باشد (Bloor, 2004: 5, 6).

منظور از متن، جمله یا جملاتی است که خواننده با دنبال کردن آن یا آنها معنا یا پیام خاصی را دریافت می‌کند. متن گاهی از جمله‌های واحد مانند ضرب‌المثل یا جمله تبلیغاتی تشکیل شده است و گاهی چندین مجلد را شامل می‌شود (اخلاقی، ۸۲: ۱۳۷۶). بنابراین صرف پیوندهای واجی و بعضاً دستوری میان واژگان یک نوشته، نمی‌تواند یک متن را فهمید؛ بلکه این ارتباط ساختاری، معنایی و منطقی میان ارکان و واژگان متن است که بدان هویت می‌بخشد و آن را به عنوان یک متن معرفی می‌کند. «یک متن زمانی به گفتمان تبدیل می‌شود که کلیتی منسجم داشته باشد؛ حتی اگر از یک تکه کوچک زبانی تشکیل شده باشد» (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۳۳). از این رو، برخی صاحب‌نظران در خصوص پیوندهای میان ارکان یک جمله که بدان انسجام می‌بخشد اظهار عقیده کرده و آن را در قالب یک نظریه مطرح کرده‌اند.

نظریه انسجام متن را ابتدا هالیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ پایه‌گذاری و معرفی کردند. سپس در سال ۱۹۸۴ رقیه حسن در مقاله‌ای با عنوان «پیوستگی و هماهنگی انسجامی» این نظریه را تکمیل کرد و یک سال بعد در اثری به صورت مشترک ارائه شد. «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان یک متن، می‌داند» (Halliday & Hasan, 1976: 4).

از طرفی، هالیدی تأکید می‌کند که «بین جملات یک متن روابط معینی برقرار است که آن متن را از مجموعه جملاتی که به طور تصادفی در کنار هم قرار گرفته‌اند، جدا می‌کند. مجموعه این روابط را که منجر به خلق اثر می‌شود، انسجام متنی می‌گویند» (همان: ۱۱). از نظر او «بخشی از انسجام از طریق دستور و بخشی از طریق واژگان به

وجود می‌آید» (همان: ۵). «انسجام ملاکی است که سبب می‌گردد، بتوانیم رابطه میان واحدهای واژگانی درون یک متن را دریابیم. بنابراین اگر ما بتوانیم واحدهای درون یک متن را از طریق یکدیگر تعبیر کنیم، از انسجام برخوردار خواهد بود» (صفوی: ۳۰۹).

انسجام متن در واقع «وابستگی تعبیر و تفسیر عناصری در متن به تعبیر و تفسیر عناصری دیگر در بافت خود متن است» (تاکی، ۱۳۷۸: ۱۳۰). هالیدی عقیده دارد که انسجام متن، آن روابط معنایی را شامل می‌شود که با آنها هر قطعه‌ای از گفتار یا نوشتار می‌تواند به عنوان متن شناخته شود و در واقع انجام وظیفه نمایند. این نظریه، متن را در سه سطح «دستوری»، «لغوی» و «معنایی» بررسی می‌کند تا به انسجام متنی دست یابد (Halliday, 2002: 266) (جدول ۱).

۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری درباره نظریه انسجام متن هالیدی و حسن، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های بسیاری نگاشته‌اند. از جمله:

امیر فیصی‌پور «ابزارهای انسجام واژگانی در کتاب تنگسیر نوشته صادق چوبک بر پایه نظریه هالیدی و حسن» (۱۳۷۶) عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده است که در آن، به ارتباط میان واژگان متن تنگسیر پرداخته و این ارتباط زنجیره‌ای را از جوه انسجام متن طبق نظریه هالیدی و حسن دانسته است. فاطمه معین‌الدینی «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه» (۱۳۸۲) همچنین ناهید دهقانی «بررسی عناصر ایجاد انسجام متن در کشف‌المحجوب هجویری» (۱۳۸۸). را نگاشته‌اند. در دو مقاله اخیر سعی شده، اسلوب‌های انسجام متن مطابق الگوی نظریه هالیدی و حسن را نشان داده شود.

جدول ۱- عناصر انسجام متن در نظریه هالییدی و حسن

Table 1- Elements of text coherence in Halliday and Hasan's theory

موقعیتی یا برون متنی		ارجاع	انسجام دستوری	الف
ارجاع به ما قبل	متنی			
ارجاع به ما بعد				
	جانشین اسمی	جانشینی	انسجام دستوری	الف
	جانشین فعلی			
	جانشین جمله‌ای			
	لفظی	حذف	انسجام دستوری	الف
	معنوی			
	عین واژه	تکرار	لغوی	ب
	تکرار مترادف			
	تکرار همگانی			
	واژه‌ای که شامل واژه قبلی می‌شود			
		همایش	انسجام دستوری	ب
	توضیحی	اضافه ای	انسجام دستوری	ج
	تمثیلی			
	مقایسه‌ای			
		ارتباط خلاف	پیوندی (روابط معنایی و منطقی)	ج
		انتظار		
	علت	سببی	پیوندی (روابط معنایی و منطقی)	ج
	نتیجه			
	هدف			
	شرط			
		زمانی	انسجام دستوری	ج

علاوه بر این حامد نوروزی و غلامحسین غلامحسین‌زاده مقاله‌ای با عنوان «نقش عوامل ربط زمانی در انسجام متن» (۱۳۸۸) نوشته‌اند و در آن به جایگاه عوامل ربط از جمله: رابطه افزایشی، رابطه تقابلی، رابطه علی و رابطه زمانی) پرداخته و ضمن استخراج مصادیق آن، به تأثیرگذاری حضور این عوامل در متن برای ایجاد انسجام بیشتر نظر داشته‌اند. طاهره ایشانی نخست در مقاله «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» (۱۳۸۹) با همکاری تقی پورنامداریان و سپس در مقاله «تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن» (۱۳۹۳) سعی کرده انسجام عمودی شعر حافظ را با تکیه بر نظریه انسجام هالیدی به اثبات برساند؛ اما به علت عدم هماهنگ‌سازی قواعد این نظریه با نظم غزل کلاسیک فارسی به ویژه غزل حافظ، همچنین نقد سلیقه‌ای نگارندگان در خصوص این نظریه، نتیجه حاصل شده در پایان این مقاله چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد.

۲- روش انسجام متن

برای بررسی انسجام در یک متن، همچنین جهت ایجاد نظم در پیشبرد این کار، انجام مراحل زیر به ترتیب، ضروری است:

۱) بررسی انسجام دستوری و لغوی متن؛

الف- نوشتن متن به صورت بند (جمله به جمله)؛

ب- نوشتن واژه‌های هر بند، صرف نظر از حروف ربط، اضافه و ...؛

ج- روشن کردن ارتباط زنجیره‌وار عمودی میان واژگان متن؛

د- روشن کردن ارتباط زنجیره‌وار افقی میان متن؛

۲) بررسی انسجام منطقی (معنایی) متن؛

۳) بررسی روابط یکسانی و شباهت میان واژگان متن؛

۴) محاسبه ضریب انسجام متن.

۳- ارائه و بررسی متن

غزل زیر، جهت بررسی از منظر نظریه انسجام متن هالیدی و حسن انتخاب شده است. برای انتخاب این غزل که از شناخته‌شده‌ترین غزلیات شاعر است، بجز بُعد صوری آن که به علت کوتاهی، کار را برای تحلیل در قالب یک مقاله آسان‌تر می‌کند، نمایندگی این غزل به عنوان مانیفیست فاضل نظری در بُعد محتوا و مضمون بوده است. بدین معنی که می‌توان آن غزل را چکیده شش مجموعه شعری شاعر از منظر نگاه و ژانر دانست.

از باغ می‌برند چراغانی‌ات کنند	تا کاج جشن‌های زمستانی‌ات کند
پوشانده‌اند صبح تو را ابرهای تار	تنها بدین بهانه که بارانی‌ات کند
یوسف! به این ره‌اشدن از چاه دل مبینند	این بار می‌برند که زندانی‌ات کند
ای گل! گمان مبر به شب جشن می‌روی	شاید به خاک مرده‌ای ارزانی‌ات کند
یک نقطه بیش، فرق رحیم و رحیم نیست	از نقطه‌ای بت‌رس که شیطانی‌ات کند
آب طلب‌نکرده همیشه مراد نیست	شاید بهانه‌ای است که قربانی‌ات کند

(نظری، ۱۳۸۸: ۸۳)

۳-۱- بررسی انسجام دستوری و لغوی متن

۳-۱-۱- نوشتن متن به صورت بند (جمله به جمله)

بیت (۱) ۱- از باغ می‌برند ۲- چراغانی‌ات کنند (تو را چراغانی کنند) ۳- تا کاج جشن‌های زمستانی‌ات کنند (تو را کاج جشن‌های زمستانی کنند)؛

بیت (۲) ۴- پوشانده‌اند صبح تو را ابرهای تار ۵- تنها بدین بهانه که بارانی‌ات کنند (تو را بارانی کنند)؛

بیت (۳) ۶- [ای] یوسف ۷- به این ره‌اشدن از چاه دل مبیند ۸- این بار می‌برند ۹- که زندانی‌ات کنند (که تو را زندانی کنند)؛

بیت ۴) ۱۰- ای گل ۱۱- گمان مبر ۱۲- به شب جشن می‌روی ۱۳- شاید به خاک مرده‌ای ارزانی‌ات کنند (تو را به خاک مرده‌ای ارزانی کنند)؛
بیت ۵) ۱۴- یک نقطه بیش فرق رحیم و رحیم نیست ۱۵- از نقطه‌ای بترس ۱۶- که شیطانی‌ات کنند (تورا شیطانی کنند)؛
بیت ۶) ۱۷- آب طلب نکرده همیشه مراد نیست ۱۸- شاید بهانه‌ای است ۱۹- که قربانی‌ات کنند (تو را قربانی کنند).

۳-۱-۲- نوشتن واژه‌های هر بند به صورت جداگانه

در این قسمت واژگان یک متن را بدون در نظر گرفتن حروف اضافه و ربط به صورت جداگانه کنار هم می‌نویسیم. با نظر به این که واژگان متن در نهایت بر اساس انسجام متن با هم، بررسی می‌شوند.

بیت ۱) ۱- باغ - می‌برند ۲- تو- چراغانی - کنند ۳- تو - کاج - جشن‌های - زمستانی - کنند؛
بیت ۲) ۴- پوشانده‌اند - صبح تو - ابرهای تار ۵- به این بهانه - تو - بارانی - کنند؛
بیت ۳) ۶- یوسف ۷- این رها شدن - چاه - دل مبنده ۸- می‌برند ۹- تو - زندانی - کنند؛
بیت ۴) ۱۰- گل ۱۱- گمان مبر ۱۲- شب جشن - می‌روی ۱۳- خاک مرده - تو - ارزانی - کنند؛
بیت ۵) ۱۴- فرق رحیم و رحیم - یک نقطه بیش - نیست ۱۵- نقطه‌ای - بترس ۱۶- تو - شیطانی - کنند؛
بیت ۶) ۱۷- آب طلب نکرده - مراد - نیست ۱۸- بهانه‌ای - است ۱۹- تو - قربانی - کنند.

۳-۱-۳- بررسی ارتباط زنجیره‌وار عمودی میان واژگان متن

همانطور که در جدول ۲ دیده می‌شود واژه‌های «باغ» در جمله ۱، «کاج» در جمله ۲، «ابره‌های تار» در جمله ۴، «گل» در جمله ۱۰ و «خاک مرده‌ای» در جمله ۱۳ در یک زنجیره قرار دارند. از آنجا که «گل» در این جمله منادا است، مشمول انسجام دستوری از نوع «جانشینی» واقع شده است.

در این جمله، «گل» جانشین معشوق است. ارتباط «باغ» با «کاج» از نظر انسجام لغوی، «شمول معنایی» است. بین «باغ» و «گل» نیز همین ارتباط وجود دارد. همچنین «باغ» با واژگان «ابره‌های تار» و «خاک مرده» و «گل» همه با هم ارتباط لغوی از نوع «هم‌آیش» دارند. در زنجیره بعد، دو بار فعل «می‌برند» در جمله ۱ و ۸ و یک بار فعل «پوشانده‌اند» در جمله ۴ آمده است. ارتباط هر سه فعل با هم از نظر انسجام دستوری، از نوع «حذف» نهاد، «آنها»، به قرینه معنوی است. همچنین بین دو فعل «می‌برند» از نظر انسجام لغوی «تکرار عین واژه» وجود دارد.

در زنجیره بعدی که دارای شمول بسیار است، واژه‌های «تو» در جمله (۱-۳-۵-۹-۱۳-۱۹) و «صبح تو» در جمله ۴، «یوسف» در جمله ۶، «دل میند» در جمله ۷، «گل» در جمله ۱۰، «گمان مبر» در جمله ۱۱، «می‌روی» در جمله ۱۲ و «بترس» در جمله ۱۵ قرار دارند. در این زنجیره، همه «تو»ها ارجاع به ما قبل خود دارند. بنابراین دارای انسجام دستوری از نوع «ارجاع» هستند. همچنین «تو» دارای ارتباط «تکرار عین واژه» است که در ابیات (۱-۳-۵-۹-۱۳-۱۹) آمده است. بین «تو» و «صبح تو» ارتباط «شمول معنایی» وجود دارد.

جدول ۲- بررسی ارتباط عمودی (انسجام دستوی و واژگانی)

Table 2- Examination of vertical communication (grammatical and lexical coherence)

						جمله	بیت		
					تو	می‌برند	باغ	۱	۱
				کنند	چراغانی			۲	۱
				کنند	جشن‌های زمستانی	تو	کاج	۳	۱
						صبح تو	ابره‌ای تار	۴	۲
				کنند	بارانی	تو		۵	۲
						یوسف		۶	۳
			چاه	رها شدن		دل میند		۷	۳
							می‌برند	۸	۳
				کنند	زندانی	تو		۹	۳
						گل	گل	۱۰	۴
						گمان میر		۱۱	۴
			شب جشن			می‌روی		۱۲	۴
				کنند	ارزانی	تو	خاک مرده‌ای	۱۳	۵
نیست	یک نقطه بیش	رحیم / رحیم						۱۴	۵
						بترس		۱۵	۵
				کنند	شیطانی			۱۶	۶
نیست		مراد	آب طلب نکرده					۱۷	۶
است		بهانه						۱۸	۶
				کنند	قربانی	تو		۱۹	۶

واژه «یوسف» دارای «ارجاع برون متنی» است. بین «تو»، «گل» و «یوسف» هم انسجام دستوری از نوع «جانشینی» و هم ارتباط لغوی از نوع «تکرار مترادف» وجود دارد. نهاد تمام فعل‌های این زنجیره (دل میند، گمان مبر، می‌روی، بترس) ضمیر «تو» محذوف است. بنابراین در این بین انسجام دستوری از نوع «حذف» نیز وجود دارد.

زنجیره بعدی شامل واژه‌های «چراغانی» در جمله ۲، «زمستانی» در جمله ۳، «بارانی» در جمله ۵، «زندانی» در جمله ۹، «ارزانی» در جمله ۱۳، «شیطانی» در جمله ۱۶ و «قربانی» در جمله ۱۹ است. در این زنجیره، بین واژه‌های زمستانی و بارانی، همچنین بین «شیطانی» و «قربانی» انسجام لغوی از نوع «شمول معنایی» وجود دارد. از طرفی بین «زندانی» و «شیطانی» و «قربانی»، همچنین بین واژه‌های «زمستانی»، «بارانی» و «ارزانی» انسجام لغوی از نوع «همایش» برقرار است.

در زنجیره بعدی فعل «کنند» در جمله‌های (۲- ۳- ۵- ۹- ۱۳- ۱۶- ۱۹) تکرار شده است. در این فعل از نظر انسجام دستوری «حذف» به قرینه معنوی وجود دارد. یعنی از خود فعل می‌توان ضمیر مستتر «آنها» را که به قرینه معنوی حذف شده است تشخیص داد. همچنین از نظر انسجام لغوی نیز دارای ارتباط «تکرار عین واژه» است. زنجیره بعدی، واژه‌های «رهاشدن» در جمله ۷، «شب جشن» در جمله ۱۲ و «آب طلب نکرده» در جمله ۱۷ را شامل می‌شود. در این زنجیره بین دو واژه اول، انسجام دستوری از نوع «جانشینی» وجود دارد. سه واژه دیگر از نظر انسجام لغوی دارای «شمول معنایی» هستند.

در زنجیره بعدی که شامل چند واژه از جمله، «چاه» در جمله ۷، «رحیم و رجیم» در جمله ۱۴، «مراد» در جمله ۱۷ و «بهانه» در جمله ۱۸ است؛ دو گونه ارتباط وجود دارد. نخست میان «چاه» و «بهانه» ارتباط دستوری از نوع جانشینی وجود دارد. سپس میان هر چهار مورد انسجام لغوی از نوع «شمول معنایی» برقرار است. زنجیره بعدی تنها دو واژه «یک نقطه بیش» در جمله ۱۴ و «نقطه‌ای» در جمله ۱۵ را شامل می‌شود.

این دو واژه با هم دارای انسجام لغوی از نوع «شمول معنایی» هستند. زنجیره بعدی، دو بار فعل «نیست» در جمله‌های ۱۴ و ۱۷ و یک بار فعل «است» در جمله ۱۸ را شامل می‌شود. در این زنجیره، فعل «نیست» که تکرار شده است دارای انسجام لغوی از نوع «تکرار عین واژه» است. و با فعل «است» نیز دارای ارتباط تضاد است.

۳-۱-۴- بررسی ارتباط زنجیره‌وار افقی میان واژگان متن

از آنجا که واحد متن در شعر فارسی، به ویژه در قالب غزل، غالباً بیت است نه مجموعه شعر، انجام مراحل انسجام متن با نظر به جریان افقی شعر، ضرورت دارد؛ چراکه درجه انسجام واژه‌های یک بیت را که واحد متن است، روشن می‌کند. بنابراین در کنار بررسی ارتباط عمودی واژگان متن، ارتباط افقی آنها بررسی می‌شود.

در بیت اول، در واژه «می‌برند» و «چراغانی‌ات کنند» همچنین «زمستانی‌ات کنند»، مفعول جمله، یعنی «تو را» حذف شده است. بنابراین مشمول انسجام دستوری از نوع «حذف» قرار می‌گیرد. بین دو فعل دوم یعنی «چراغانی‌ات کنند» و «زمستانی‌ات کنند» ارجاع به ماقبل یعنی به فعل «می‌برند» وجود دارد. فعل «کنند» که تکرار شده، مشمول انسجام لغوی از نوع «تکرار عین واژه» است. بین «باغ» و «کاج» انسجام لغوی از نوع شمول معنایی برقرار است و این دو، با زمستان، انسجام لغوی از نوع «هم‌آیش» دارند. همچنین بین «چراغانی» و «جشن‌های زمستانی» نیز انسجام لغوی از نوع «هم‌آیش» برقرار است.

در بیت دوم، در «بارانی‌ات کنند» انسجام دستوری از نوع «حذف» وجود دارد. همچنین بین واژه‌های «صبح تو»، «ابره‌های تار» و «بارانی» انسجام لغوی از نوع «هم‌آیش» برقرار است.

در بیت سوم، «یوسف» دارای «ارجاع» برون‌متنی است. فعل «دل مبند» در یک جمله جداگانه قرار گرفته و نهاد محذوف دارد؛ بنابراین دارای انسجام دستوری از نوع «حذف» نهاد است. مفعول فعل «می‌برند» و جمله «زندانی‌ات کنند» نیز حذف شده

است. پس دارای انسجام دستوری از نوع «حذف» است. همچنین، این دو فعل به ماقبل خود یعنی فعل «دل میند» که فاعل آن، ضمیر محذوف «تو» است، «ارجاع» داده شده است. بین «رهاشدن»، «چاه» نیز انسجام لغوی از نوع «همایش» و بین «چاه» و «زندانی» انسجام لغوی از نوع «تکرار مترادف» وجود دارد. همچنین، بین «یوسف» و «تو» محذوف در «زندانی‌ات کنند» انسجام لغوی از نوع «تکرار مترادف» برقرار است.

در بیت چهارم، «ای گل» یک جمله مستقل است، فعل «گمان مبر» در واقع «تو گمان مبر» و فعل «می‌روی»، «تو می‌روی» بوده که نهاد آن حذف شده است؛ بنابراین دارای انسجام دستوری از نوع «حذف» است. همچنین فعل «ارزانی‌ات کنند»، «تو را ارزانی کنند» بوده است که مفعول آن محذوف است. بنابراین این فعل نیز دارای انسجام دستوری از نوع «حذف» است. بین «گل» و «تو» محذوف در «ارزانی‌ات کنند» انسجام لغوی از نوع «تکرار مترادف» وجود دارد. «گل» و «شب جشن» رابطه «شمول معنایی» دارند. بین «شب جشن» و «خاک مرده‌ای» انسجام لغوی از نوع «همایش» وجود دارد.

در بیت پنجم، ضمیر «تو» به عنوان نهاد در فعل «بترس» و به عنوان مفعول در فعل «شیطانی‌ات» کنند، حذف شده است. بنابراین در این مورد، با انسجام دستوری از نوع «حذف» مواجه هستیم. واژه «نقطه» یک بار تکرار شده و مشمول انسجام لغوی از نوع «تکرار عین واژه» قرار می‌گیرد. بین «رجیم» و «رحیم» نیز انسجام لغوی از نوع «همایش» وجود دارد. همچنین بین «رجیم» و «شیطانی» انسجام لغوی از نوع «تکرار مترادف» برقرار است.

در بیت ششم، «قربانی‌ات کنند» دارای مفعول محذوف است. بنابراین مشمول انسجام دستوری از نوع «حذف» قرار می‌گیرد. همچنین جمله «شاید بهانه‌ای است که قربانی‌ات کنند» در واقع این گونه بوده است: «شاید [آب طلب نکرده] بهانه‌ای است که قربانی‌ات کنند». بنابراین مجدداً با «حذف» مواجه هستیم. بین «نیست» و «است»، رابطه

تضاد، همچنین بین «آب» و «قربانی» انسجام لغوی از نوع «همآیش» وجود دارد (جدول ۳).

جدول ۳- بررسی ارتباط افقی (دستوری و لغوی)

Table 3- Examining horizontal communication (grammatical and lexical)

بیت ششم	بیت پنجم	بیت چهارم	بیت سوم	بیت دوم	بیت اول		
	مورد ۱	-	مورد ۲	-	مورد ۲	ارجاع	دستوری
		-	-	-	-	جانشینی	
مورد ۲	مورد ۱	مورد ۳	مورد ۳	مورد ۱	مورد ۳	حذف	
	مورد ۲	مورد ۱	مورد ۲	-	مورد ۲	انواع تکرار	لغوی
مورد ۲	مورد ۱	مورد ۱	مورد ۱	مورد ۱	مورد ۲	همآیش (تقارن)	

۲-۲- بررسی انسجام منطقی (معنایی) متن

۲-۲-۱- بررسی انسجام معنایی (منطقی) در ابیات غزل

آنچه به عنوان عناصر ایجاد انسجام متن در قالب انسجام دستوری و لغوی گفته شد، اگرچه برای متن بایسته است؛ اما کافی نیست. یعنی ممکن است متنی دارای همه عناصر مذکور باشد اما انسجام نداشته باشد. اینجاست که پای انسجام منطقی یا رابطه

معنایی میان ارکان جمله به میان می‌آید. بنابراین، متنی دارای انسجام است که ارکان آن به لحاظ معنایی، چنان به هم گره خورده باشند که جابه‌جایی یکی، به منزله فروپاشی بنای متن باشد. اگر ارتباط معنایی میان جملات یک متن وجود نداشته باشد، متن بی‌شبهت به هذیان یا گفتار یک بیمار روانی نیست (لطفی‌پورساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۴). بنابراین متنی را باید منسجم دانست که میان اجزای آن ارتباط منطقی و معنایی وجود داشته باشد. مثلاً جمله نخست شرط و جمله دوم جواب شرط باشد، یا جمله دوم نتیجه جمله اول باشد، یا جمله دوم، تمثیلی برای روشن‌تر کردن مفهوم جمله اول باشد و ... این ارتباط به واسطه حروف ربط از قبیل: که، تا، مگر، چون، پس، زیرا، بنابراین، اما، لیکن، خواه، با آن‌که و... به وجود می‌آید. بدیهی است با توجه به فضای محدود ابیات شعر در مقایسه با نثر، برخی از این حروف در ابیات، در تقدیر قرار گرفته و حذف شده باشند. اما نقش و حضور آنها در جمله روشن است.

این نوع از انسجام متن نیز انواعی دارد:

۱) اضافه‌ای

در این نوع انسجام، گوینده ضمن ایراد مقصود اصلی خود، مطلبی را برای درک بهتر شنونده، اضافه می‌کند. اضافه کردن این توضیحات، در سه نوع (توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای) انجام می‌شود (لطفی‌پورساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۴):

الف- توضیحی

نخست جمله‌ای ذکر می‌شود و در ادامه، برای رفع ابهام از آن، گوینده، توضیحی را اضافه می‌کند. در بیت نخست این غزل این ارتباط با ذکر حرف ربط که لازمه این گونه جمله‌هاست دیده می‌شود.

از باغ می‌برند چراغانی‌ات کنند تا کاج جشن‌های زمستانی‌ات کند

(نظری، ۱۳۸۸: ۸۳)

ب- تمثیلی

یکی از شیوه‌های رایج در روشن‌تر کردن مقصود نزد شاعران و نویسندگان به کاربردن تمثیل است. این شیوه علاوه بر این که ابهام متن را برطرف می‌کند به حلاوت و بلاغت متن نیز می‌افزاید:

ج- مقایسه‌ای

مقایسه دو چیز، مبین ظرفیت‌های دو طرف و غالباً موید ارجحیت یکی بر دیگری است. بنابراین شاعران و نویسندگان برای تفهیم دو سوی مقایسه، عموماً خود را به یک طرف متمایل نشان می‌دهند.

۲) ارتباط تشبیهی

یافتن ادعای همانندی میان واژگان یک بیت، موضوعی است که در شعر فارسی بسیار پرسامد است. این نوع ارتباط، موید همبستگی عمیق متن و متضمن ایجاد صور خیال است. در بیت نخست این غزل این ارتباط وجود دارد:

از باغ می‌برند چراغانی‌ات کنند تا کاج جشن‌های زمستانی‌ات کند
(همانجا)

۳) ارتباط خلاف انتظار

آوردن جواب یا کلامی خلاف انتظار به جد یا به طنز در متون نظم و نثر فارسی دیده می‌شود. شفیعی کدکنی در کتاب «رستاخیز کلمات» ضمن ترجمه نقد و نظریات فرمالیست‌های روسی، نظریه «آشنایی‌زدایی» را شرح می‌دهد. این نظریه به کاربرد جملاتی می‌پردازد که معمولاً خلاف انتظار نقل می‌شوند؛ اما تأثیرگذاری و ماندگاری بیشتر دارند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). همچون بیت سوم، چهارم و ششم این غزل:

یوسف به این ره‌اشدن از چاه دل میند	[زیرا] این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند
ای گل! گمان مبر به شب جشن می‌روی	[زیرا] شاید به خاک مرده‌ای ارزانی‌ات کنند
آب طلب نکرده همیشه مراد نیست	[زیرا] شاید بهانه‌ای است که قربانی‌ات کنند

(همانجا)

۴) سببی

در ارتباط معنایی بین جملات متن رابطه علت و معلولی، مقدمه و نتیجه یا شرطی برقرار است. ارتباط سببی شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است (معین‌الدینی، ۱۳۸۲: ۳۲۰)

الف- علت

گاهی، برخی از جمله‌ها، دلیل وقوع اتفاق یا حالتی است که در جمله بعد روی می‌دهد یا آن که جمله دوم معلول فضای جمله نخست است. در بیت اول این غزل حرف ربط «تا» مؤید این گونه ارتباط است. این بیت، این گونه تأویل می‌پذیرد: برای این که «کاج جشن‌های زمستانی کنند» تو را «از باغ می‌برند»:
از باغ می‌برند چراغانی‌ات کنند تا کاج جشن‌های زمستانی‌ات کند
(نظری، ۱۳۸۸: ۸۳)

ب- نتیجه

در جمله‌های زبان فارسی گاهی برخی از جمله‌ها نتیجه اتفاقات و رویدادهای دیگری هستند.

ج- هدف

جمله یا جمله‌هایی در متن هدف و انگیزه انجام یک اتفاق در جمله‌های قبلی هستند. بیت دوم غزل نمونه مناسبی برای این نوع ارتباط است:
پوشانده‌اند صبح تو را ابرهای تار تنها بدین بهانه که بارانی‌ات کنند
(همانجا)

د- شرط

وقوع یا عدم‌وقوع امری در متن، به وقوع یا عدم‌وقوع امری در جملات دیگر متن بستگی دارد.

۵) زمانی

این ارتباط، وقتی به وجود می‌آید که نوعی توالی زمانی میان ارکان جمله برقرار باشد. قبلاً توضیح داده شد که برخی از عناصر انسجام متن در نثر و برخی در نظم حضور پررنگ‌تری دارد. این نوع ارتباط با توجه به آنچه در تعریف آن در خصوص توالی زمانی رویدادها گفته شده، بیشتر به نثر مرتبط است و نظر به محدودیت فضای یک بیت در شعر و گسست‌هایی معمولی که در ابیات شعر به ویژه قالب غزل وجود دارد، حضور کمتری دارد. این ارتباط را در بیت ششم (آخر) شعر می‌توان دید:

یوسف به این رها شدن از چاه دل میند این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند
(همانجا)

جدول ۴- ارتباط منطقی (معنایی) ابیات شعر

Table 4- The logical connection (semantic) of the verses of the poem

عناصر ارتباط معنایی	بیت
سببی - علت / تشبیهی	از باغ می‌برند چراغانی‌ات کنند تا کاج جشن‌های زمستانی‌ات کند
سببی - هدف	پوشانده‌اند صبح تو را، ابرهای تار تن‌ها بدین بهانه که بارانی‌ات کنند
خلاف انتظار / زمانی	یوسف! به این رهاشدن از چاه دل میند این بار می‌برند که زندانی‌ات کند
خلاف انتظار	ای گل! گمان مبر به شب جشن می‌روی شاید به خاک مرده‌ای ارزانی‌ات کنند
توضیحی - اضافه‌ای	یک نقطه بیش فرق رحیم و رحیم نیست از نقطه‌ای بترس که شیطانی‌ات کنند
توضیحی - اضافه‌ای / خلاف انتظار	آب طلب نکرده همیشه مراد نیست شاید بهانه‌ای است که قربانی‌ات کنند

۳-۳- بررسی روابط یکسانی و شباهت میان واژگان متن

در این مرحله باید زنجیره‌هایی را که در مرحله قبل بررسی شدند و نوع انسجامشان مشخص شده است از نظر یکسانی و شباهت، تحلیل کرد. بیشتر ارتباط میان واژگان

یک زنجیره شرح داده شد و نوع انسجام هر کدام مشخص گردید. با این کار مشخص می‌شود که در هر کدام از این زنجیره‌ها ارتباط یکسانی برقرار است یا شباهت.

جدول ۵- روابط یکسانی و شباهت میان واژگان متن

Table 5- Identical relations and similarity between the words of the text

بیت	جمله	ش	ی/ش	ی/ش	ش	ی/ش	ش	ی/ش	ش	ش
۱	۱	باغ	می‌برند	تو						
۱	۲				چراغانی	کنند				
۱	۳	کاج		تو	جشن‌های زمستانی	کنند				
۲	۴	ابره‌ای تار	پوشانده‌اند	صبح تو						
۲	۵			تو	بارانی	کنند				
۳	۶			یوسف						
۳	۷			دل میند	رها شدن	چاه				
۳	۸		می‌برند							
۳	۹			تو	زندانی	کنند				
۴	۱۰	گل		گل						
۴	۱۱			گمان مبر						
۴	۱۲			می‌روی			شب جشن			
۵	۱۳	خاک مرده‌ای		تو	ارزانی	کنند				
۵	۱۴						رحیم / رحیم	یک نقطه بیش	نیست	

						بترس			۱۵	۵
				کنند	شیطانی				۱۶	۶
نیست		مراد	آب طلب نکرده						۱۷	۶
است		بهانه							۱۸	۶
				کنند	قربانی	تو			۱۹	۶

باید گفت منظور از یکسانی واژگان یک زنجیره، قرارگرفتن آنها در دایره شمول انسجام دستوری و منظور از شباهت واژگان، قرارگرفتن آنها در دایره شمول انسجام لغوی است. به عنوان مثال در زنجیره دوم، «می‌برند» از آن نظر که نهاد محذوف دارد، مشمول انسجام دستوری «حذف» قرار می‌گیرد. پس در زنجیره یکسانی واقع می‌شود و تکرار این فعل در همین زنجیره، در دایره شمول انسجام لغوی از نوع «تکرار عین واژه» قرار می‌گیرد. بنابراین در زنجیره شباهت واقع می‌شود. ادعای یکسانی میان واژگان یک زنجیره، تنها به متن مورد مطالعه مربوط می‌شود و این واژگان ممکن است در خارج از متن یکسان شمرده نشوند.

۳-۴- بررسی درجه انسجام متن

پیش از این، غزل فاضل نظری از جنبه عمودی و افقی به صورت مجزا مورد ارزیابی انسجامی قرار گرفت. اکنون شعر او را از این نظر که واژگان آن تا چه میزان و چه درصدی در زنجیره انسجامی قرار می‌گیرند، بررسی می‌شود. برای انجام این کار نخست تعداد واژگانی را که در کل متن قرار گرفته، صرف نظر از حروف ربط، اضافه و ... بر می‌شماریم. سپس درصد ارتباط واژگان با یکدیگر را محاسبه می‌کنیم.

پیش از انجام این کار، تعریف دو اصطلاح ضروری به نظر می‌رسد. نخست نمونه‌های مرکزی (Tokens Central): مجموعه‌ای از نمونه‌های مرتبط که در جدول

۱ نمایش داده شد. این نمونه‌ها با دیگر واژگان متن دارای ارتباط و پیوستگی هستند؛ و دیگر نمونه‌های غیرمرکزی (Non-Central Tokens): این نمونه‌ها با دیگر واژگان متن ارتباط نداشته و در تعامل زنجیره‌ای جایگاهی ندارند.

جدول ۶- محور عمودی و افقی (انسجام دستوری و لغوی)

Table 6- vertical and horizontal axis (grammatical and lexical coherence)

میزان انسجام	نمونه‌های غیرمرکزی	نمونه‌های مرکزی	نمونه‌های بررسی شده
۱۰۰٪	-	۴۷	۴۷ نمونه

طبق نظریه هالیدی، هرچه نسبت نمونه‌های مرکزی به نمونه‌های غیرمرکزی بیشتر باشد - دست کم ۵۰ درصد از کل نمونه را در بر بگیرد- آن متن می‌تواند از انسجام بیشتری برخوردار باشد (Hasan:1985:94).

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در شعر فاضل نظری، سه نتیجه مهم حاصل می‌شود که هر سه نشانه انسجام و پیوستگی بالای شعر است. نخست آن که در متن شعر هیچ نمونه غیرمرکزی وجود ندارد و تمام نمونه‌ها در زنجیره‌های معناداری، با دیگر واژگان متن در ارتباط هستند. دیگر این که واژگان متن هم در محور عمودی و هم در محور افقی پیوند زنجیره‌واری با هم دارند و سوم این که در تمام ابیات شعر، انسجام منطقی (معنایی) دیده می‌شود. بنابراین درجه انسجام متن منظور، از نظر دستوری، لغوی و منطقی ۱۰۰٪ نشان داده می‌شود.

اثبات ادعای حضور عناصر انسجام متن در غزل فاضل نظری نیازمند بررسی نمونه‌های دیگری نیز هست. به همین منظور دو غزل دیگر که یکی در فضای آیینی و دیگری در فضایی عاشقانه، اما عشقی همراه با گله‌های ویژه خود شاعر، سروده شده

است، انتخاب شده تا مصادیق این نظریه در آن جستجو شود. اما نظر به محدودیت حجم مقاله، در این دو غزل صرفاً نتایج تحلیل گزارش داده می‌شود.

ای بی وفای سنگدل قدر ناشناس	از من همین که دست‌کشیدی تو را سپاس
با من که آسمان تو بودم روا نبود	چون ابر هر دقیقه درآیی به یک لباس
آینه‌ای به دست تو دادم که بنگری	خود را در این جهان پر از حیرت و هراس
پنداشتی مجسمه سنگ و یخ یکی است	کو آفتاب تا بشوی فارغ از قیاس
دنیا دو روز بیش نبود و عجب گذشت	روزی به امرکردن و روزی به التماس
مگذار ما هم ای دل بی‌زار و بی‌قرار	چون خلق بی‌ملاحظه باشیم و بی‌حواس

(نظری، ۱۳۹۵: ۷۳)

جدول ۷- انسجام دستوری، لغوی و منطقی میان ابیات

Table 7- Grammatical, lexical and logical coherence between verses

انسجام دستوری	زنجیره انسجام عمودی: ۹ مورد زنجیره انسجام افقی: ۷ مورد
انسجام لغوی	زنجیره انسجام عمودی: ۹ مورد زنجیره انسجام افقی: ۸ مورد
انسجام منطقی	اضافه‌ای: ۲ بیت ارتباط خلاف انتظار: ۵ بیت سببی: ۱ بیت زمانی: ۱ بیت

هنوز گریه بر این جویبار کافی نیست
چنان که یخزده تقویم‌ها اگر هر روز
به جرم عشق تو باشد که آتشم بزنند
گل سپید، به دشت سپید می‌روید
خودت بخواه که این انتظار سر برسد
بیار ابر بهاری، بیار... کافی نیست
هزار بار بیاید بهار، کافی نیست
برای کشتن حلاج، دار کافی نیست
سپیدبختی این روزگار کافی نیست
دعای این همه چشم انتظار کافی نیست
(نظری، ۱۳۸۸، ب، ۷۹)

جدول ۸- انسجام عمودی میان ابیات

Table 8- Vertical coherence between verses

انسجام دستوری	زنجیره انسجام عمودی: ۸ مورد زنجیره انسجام افقی: ۱۲ مورد
انسجام لغوی	زنجیره انسجام عمودی: ۸ مورد زنجیره انسجام افقی: ۱۰ مورد
انسجام منطقی	اضافه‌ای: ۲ بیت ارتباط خلاف انتظار: ۲ بیت سببی: ۲ بیت زمانی: ۳ بیت

۴- نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی یکی از غزلیات فاضل نظری بر اساس این نظریه، مشخص شد، معیارهایی که برای منسجم‌بودن یک متن، طبق نظریه انسجام لازم است، در شعر فاضل نظری وجود دارد. این معیارها عبارت‌اند از:

(۱) هم‌بستگی و پیوند عمودی و افقی تمام واژگان غزل، به طوری که هیچ واژه‌ای را در متن نمی‌توان یافت که با دیگر واژگان متن گره نخورده باشد. در غزل نخست، از منظر ارتباط عمودی ۸ زنجیره معنایی وجود دارد. در زنجیره نخست، ۶ واژه، در زنجیره

دوم ۵ واژه، در زنجیره سوم ۸ واژه، در زنجیره چهارم ۶ واژه، در زنجیره پنجم ۷ واژه، در زنجیره ششم ۷ واژه، در زنجیره هفتم ۸ واژه و در زنجیره هشتم ۷ واژه، از لحاظ عمودی دست‌کم در یکی از حالت‌های دستوری و لغوی با هم ارتباط دارند. در محور ارتباط افقی میان واژگان نیز در هر پنج بیت رویکرد ارتباط وجود دارد. بدین صورت که انسجام دستوری ارجاع ۲ بار، و حذف ۹ بار دیده می‌شود. علاوه بر این انسجام لغوی تکرار عین واژه ۲ بار، شمول معنایی ۲ بار، تکرار مترادف ۴ بار، ارجاع برون‌متنی ۱ بار، و هم‌آیش ۶ بار دیده می‌شود؛

۲) انسجام منطقی در تمام ابیات شعر، که مویّد پیوند و ارتباط معنایی متن است برقرار است؛ به طوری که انسجام اضافه‌ای از نوع توضیحی ۱ بار، از نوع تشبیهی ۱ بار، انسجام خلاف انتظار ۳ بار، انسجام سببی از نوع علت ۱ بار و از نوع هدف ۱ بار آمده است. انسجام زمانی نیز در ۱ بیت دیده می‌شود؛

۳) بررسی غزل‌های دوم و سوم نیز نشان می‌دهد که پیوند عمودی و افقی، در انسجام دستوری و لغوی، همانند غزل نخست بسآمد بالایی دارد؛ با این تفاوت که در غزل دوم که نوعی روایت‌گونگی در آن دیده می‌شود پیوند عمودی محکم‌تر است و در مقابل، در غزل سوم که در فضایی آیینی سروده شده، ضمن انسجام عمودی میان واژگان، محور افقی از نظر دستوری و لغوی انسجام بیشتری دارد. علاوه بر این از منظر انسجام منطقی، غزل دوم از نظر انسجام «خلاف عادت» همانند غزل نخست، برجستگی بیشتری دارد؛ اما غزل سوم به لحاظ سببی و زمانی در مقایسه با دو غزل دیگر برجسته‌تر است؛

۴) می‌توان یکی از دلایل توجّه به آثار شاعر مورد نظر را منسجم‌بودن متن از دیدگاه نظریه‌هالیدی و حسن دانست.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اخلاقی، اکبر (۱۳۷۷)، *تحلیل ساختاری منطق الطیر*، اصفهان: نشر فرد.
۲. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۶)، *ادبیات معاصر ایران (شعر)*، تهران: نشر روزگار.
۳. _____ (۱۳۱۹)، *چشم‌انداز شعر معاصر*، تهران: نشر ثالث.
۴. _____ (۱۳۷۹)، *سیر تحول غزل فارسی (از مشروطیت تا انقلاب اسلامی)*، تهران: روزنه.
۵. زرقانی، مهدی (۱۳۸۴)، *چشم‌انداز شعر معاصر*، چاپ دوم، تهران: ثالث.
۶. سجودی، فرزانه (۱۳۹۰)، *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*، چاپ دوم، تهران: علم.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، *سیر غزل در شعر فارسی*، تهران: فردوس.
۸. صفوی، کورش (۱۳۸۳)، *درآمدی بر معناشناسی*، چ ۲، تهران: سوره مهر.
۹. گرین، کیت و جیل لیبهان (۱۳۸۳)، *درس‌نامه نظریه و نقد ادبی*، ترجمه گروه مترجمان. چ ۱. تهران: روزگار.
۱۰. لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۷۱)، *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۱. نظری، فاضل (۱۳۸۸ الف)، *گریه‌های امپراتور*، چاپ هشتم، تهران: سوره مهر.
۱۲. _____ (۱۳۸۸ ب)، *اقلیت*، چاپ چهارم، تهران: سوره مهر.
۱۳. _____ (۱۳۹۵)، *کتاب*، چاپ نهم، تهران: سوره مهر.

ب) مقالات

۱. ایشانی، طاهره (۱۳۹۳)، «تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن»، *فصلنامه زبان‌پژوهی*، شماره ۱۰، صص ۱۰-۳۵.
۲. براتی، محمود و مریم نافلی (۱۳۸۸)، «حماسه در بزم غزل، بحثی پیرامون غزل-حماسه در ادب انقلاب و دفاع مقدس»، *نشریه ادبیات پایداری*، سال اول، شماره اول، صص ۲۷-۵۰.
۳. پورنامداریان، تقی و طاهره ایشانی (۱۳۸۹)، «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، *نشریه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۶۷، صص ۴۳-۷.
۴. تاکی، گیتی (۱۳۷۸)، «پیوستگی و همبستگی متن در زبان فارسی»، *مجله علوم انسانی*، دوره ۱۴، شماره ۱ و ۲، صص ۸-۲۸.
۵. حدادعادل، غلامعلی (۱۳۸۹)، «به همین سادگی که می‌بینی (سیری در شعر فاضل نظری)»، *نامه فرهنگستان*، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۳-۳۶.
۶. علی‌پور، محمدکاظم (۱۳۸۵)، «غزل معاصر و زمینه‌های شکل‌گیری آن»، *نشریه شعر*، شماره ۴۶، صص ۶۱-۶۶.
۷. محمدی، علی و علی‌اصغر بشیری (۱۳۹۱)، «غزل نو و پیش‌زمینه‌های آن»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، دوره ۱۰، شماره ۱۸، صص ۱۲۱-۱۴۴.
۸. معین‌الدینی، فاطمه (۱۳۸۲)، «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه»، *مجله فرهنگ*، دوره ۱۶، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۳۰۳-۳۲۶.

۹. یزدان‌پناه، پیمان (۱۳۷۸)، «جریان‌شناسی غزل دهه هفتاد»، نشریه *قال و مقال*، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۴۲ - ۱۵۲.

۱۰. یوسف‌نیا، سعید (۱۳۸۸)، «تندباد آسمانی شعر: یادداشتی بر سه مجموعه شعر فاضل نظری»، نشریه *شعر*، دوره ۸، شماره ۶۸، صص ۶۸ - ۷۰.

(د) لاتین

1. Richards, J. John P. 1992. *Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics*. GB: Longman.
2. Bloor, T. Meriel, B. 2004. *The Functional Analysis of English*. London: Arnold.
3. Halliday, M, A. 2002. *Linguistic Studies of Text and Discourse*. London: Continuum.
4. _____ 1985. *An introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold
5. _____ & R.Hasan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

Reference List in English

Books

- Akhlaghi, A. (1998). *Structural Analysis of the Logic of the Bird*, Isfahan: Fard Publishing. [in Persian]
- Bloor, T., & Meriel, B. (2004). *The Functional Analysis of English*. London: Arnold.
- Halliday, M, A. (1985). *An introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M, A. (2002). *Linguistic Studies of Text and Discourse*. London: Continuum.
- Halliday, M., & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Lotfieh Poursaedi, K. (2009). *The Emperor's Cry*, 8th edition, Tehran: Surah Mehr. [in Persian]
- Lotfieh Poursaedi, K. (1992). *An Introduction to the Principles and Methods of Translation*, Tehran: University Publishing Center. [in Persian]

- Richards, J., & John P. (1992). *Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics*. GB: Longman.
- Roozbeh, M. R. (2001). *The evolution of Persian lyric poetry (from constitutionalism to the Islamic Revolution)*, Tehran: Rozaneh. [in Persian].
- Roozbeh, M. R. (2007). *Contemporary Iranian Literature (Poetry)*, Tehran: Roozgar Publishing. [in Persian]
- Roozbeh, M. R. (2010). *The Perspective of Contemporary Poetry*, Tehran: Third Edition. [in Persian]
- Shamisa, S. (1995). *The journey of lyric poetry in Persian poetry*, Tehran: Ferdows. [in Persian]
- Sujudi, F. (2011). *Semiotics: Theory and Practice*, Second Edition, Tehran: Science. [in Persian]
- Zarkhani, M. (2004), *Perspectives of Contemporary Poetry*, 2 nd edition, Tehran: Thalath. [in Persian]

Journals

- Alipour, M. K. (2006). Contemporary lyric and the fields of its formation, *Poetry Magazine*, 46, 61-66. [in Persian]
- Barati, M., & Nafeli, M. (2009). Epic in the Feast of Ghazzal (A Discussion on Epic-Ghazzals in Revolution and Holy Defense Literature), *Journal of Resistance Literature*, 1(1), 27-50. doi: 10.22103/jrl.2012.262 [in Persian]
- Haddad Adel, G. A. (2010). As easily as you see (a look at the poetry of Fazel Nazari), *Name-ye Farhangestan*, 2, 23-36. [in Persian]
- Ishani, Tahereh (2013). Comparative analysis of cohesion factors in two sonnets of Hafez and Saadi and its effect on the cohesion of the text, *Linguistics Quarterly*, 10, 35-10. [in Persian]
- Moeenoddini, F. (2003). Techniques for creating text coherence in Kelileh and Demneh, *Farhang Magazine*, 46-47, 303-326. [in Persian]
- Mohammadi, A., & Bashiri, A. A. (2012). New Ghazal and its backgrounds, *Journal of Lyrical Literature*, 10(18), 121-144. doi: 10.22111/jllr.2012.970 [in Persian]
- Pournamdarian, T., & Ishani, T. (2009). Analysis of cohesion and continuity in a sonnet by Hafez with a role-oriented linguistics approach, *Persian Language and Literature Journal*, 67, 7-43. [in Persian]
- Taki, G. (1999). Text coherence and correlation in Persian language, *Journal of Humanities*, 14(1-2), 8-28. [in Persian]
- Yazdanpanah, P. (1999). Flowology of Ghazal of the Seventies, *Qal va Maqal*, 2, 142-152. [in Persian]
- Yousef Nia, S. (2009). Heavenly Storm of Poetry: A Note on Three Collections of Fazel Nazari Poetry, *Poetry Magazine*, 8(68), 68-70. [in Persian]